

جناب آقای دکتر سید محمد خاتمی

شهر خالی است ز عشاق بود کز طرفی
مردی از خویش برون آیدوکاری بکند

با درود بسیار. نظامی که امروز بر ایران حاکم است نمیتوان نام جمهوری بر آن نهاد زیرا معنی جمهوری در خودش مستتر است. حکومتی که شما ریاست قوه مجریه آنرا بعهده دارید حکومت اسلامی بر مبنای ولایت فقیه می باشد، مبتکر و بنیانگذار آن آیت الله خمینی می باشند که در این باره گفته اند: «... فرق حکومت اسلامی با حکومت های مشروطه سلطنتی و جمهوری در همین است که نمایندگان مردم یا پادشاه در این گونه رژیمها به قانون گزاری می پردازند در صورتی که قدرت مقننه و اختیار تشریح در حکومت اسلامی به خداوند متعال اختصاص یافته است...» سپس ادامه می دهند که: «... حکومت اسلامی مثل این حکومت ها نیست که امنیت را از مردم سلب کرده اند، هرکس در خانه خود می لزد که شاید الان بریزند و کاری انجام دهند.» همانگونه که در پایانه آبان ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و هفت فرستادگان وزارت اطلاعات که بهتر است گفته شود «سربازان گمنام امام زمان» به خانه رهبران حزب ملت ایران ناجوانمردانه وارد و دست به جنایت ددمنشانه ای زدند که در طول حیات بشری کمتر نظیر آنرا می توان یافت. باید پذیرفت آنقدرها که تا به امروز بر سر منبرها از شقاوت ها و ددمنشی لشکریان عمر ابن سعد و شمر ابن ذوالجوشن داد سخن رفته است در برابر این جنایت «سربازان گمنام امام زمان» ناچیز می نماید زیرا لشکریان عمر ابن سعد و شمر آنقدر مردانگی داشتند که به یاران اما محسین اجازه دفاع از خود را بدهند و آن اندازه انسانیت که حرمت زنان و کودکان و بیماران را نگه دارند اما ماموران وزارت اطلاعات حکومت باصطلاح اسلامی زیر امر ولی فقیه به زنی که در بستر بیماری خوابیده بود رحم نکرده و در اجرای امر با بیست و چهار ضربه دشنه پروانه فروهر آن شیر زن بیشه ایران زمین را مثله کردند در حالیکه می توانستند با وارد آوردن یک ضربه به فتوای ولی امر خود جامه عمل ببوشانند. قبول بفرمائید که ماموران وزارت اطلاعات حکومت اسلامی روی ابن ملجم و شمر و خولی و حرمله را در تاریخ سفید کرده اند.

جناب آقای خاتمی

شما با شعار مردم سالاری و جامعه مدنی وارد میدان سیاست شدید. زنان محروم و جوانان نا امید و ساده دل ولی تشنه عدالت و آزادی به امید اینکه شاید شما بتوانید به گوشه ای از خواسته های مردم ایران جامه عمل ببوشانید رای خود را بنام جنابعالی به صندوق های ریختند ولی با افسوس بسیار نه تنها به یک صدم آنچه که می خواستند نرسیدند بلکه دامنه جنایت ها گسترش یافت بگیر و به بند ها روز به روز بیشتر شد تا جایی که شامل یاران و هواداران شما هم شده است. ضرب و شتم جوانان کشور بویژه دانشجویان آزادیخواه از سوی ماموران حکومتی زیر نام شخصی پوشان، انصار حزب الله و نیروهای بسیج همچنان ادامه دارد. مجازات های قرون وسطایی

مانند شلاق زدن ، دست بریدن ، گردن زدن ، بر دار کردن و سنگسار نمودن جهت ایجاد محیط رعب و وحشت ، در کوی و بوزن مرتباً اجرا می گردد . دست اندر کاران حکومت بخصوص آقازاده ها برای پر کردن جیب های گشاد خود فساد را در سراسر کشور گسترش داده اند آنوقت زنان بینوایی را که از زور فقر و گرسنگی و از روی ناچاری تن بخود فروشی می دهند دستگیر به سنگسار و یا خوردن شلاق محکوم می کنند در صورتیکه آقازاده ها و خانواده های حکومت گران یک پا در اروپا و آمریکا دارند و یک پا در ایران وبه ریش مردم ایران پوزخند می زنند !!! و در این حال اگر صاحبان قلم و یا دانشجویان عزیز ما برای حفظ حرمت ملت ایران گوشه ای از پرده این ماجرا را بالا بزنند سر و کارشان با داغ و درفش مسئولان قوه قضائیه خواهد افتاد .

آیت الله خمینی پیش از انقلاب در باره دانشجویان این چنین اظهار نظر می نمودند : « دانشجویان چشمانشان باز است ، دانشجویان با استبداد مخالفند ، با حکومت های دست نشانده مخالفند ، با قلدری و غارت اموال عمومی مخالفند ، با حرام خوری و دروغ پردازی مخالفند .» بهمین علت بوده و هست که در زمان رژیم شاهنشاهی و هم در دوران حکومت ولایت فقیه دانشجویان آزادیخواه مورد هجمه و سرکوب اوباش و چماقداران حکومتی قرار گرفته و می گیرند با این تفاوت که در نظام اسلامی در سطح وسیعتری این سیاست اجرا می شود .

آیت الله خمینی در ادامه می فرمایند : «...اگر حکومت اسلامی بر قرار می شد این ظلم ها و غارتگری ها و دستبرد به خزانه عمومی و فحشا و منکرات واقع نمی شد بسیاری از این مفاسد از همان هیئت حاکمه و خانواده آنان سرچشمه می گیرد ، اماکن فساد درست می کنند ، مملکت بخاطر این ریخت و پاش ها و اختلاس ها محتاج شده است و گر نه نفت ما کم است و یا معادن و ذخایر نداریم همه چیز داریم لکن این مفت خوری ها و اختلاسها و گشاد بازی هایی که به حساب مردم و از خزانه عمومی می شود مملکت را بیچاره کرده است » گویا آیت الله خمینی در باره حکومتی صحبت می کنند که خود بنیانگذار آن بوده اند. قبول بفرمائید که اگر هم اکنون ایشان در قید حیات بودند به خاطر بیان این مطالب به همان سرنوشتی دچار می شدند که فروهرها و هزاران آزادیخواه دیگر شده اند.

جناب آقای خاتمی

در کشوری که ریاست قوه قضائیه آن را یک عراقی به عهده دارد افرادی را که از زور استیصال و برای سیر کردن شکم گرسنه زن و فرزندان معصوم خود مرتکب عمل دزدی می شوند به حکم قاضی شرع در وسط میدان شهر دستشان قطع می شود اما کسانی که به اموال عمومی و بیت المال دستبرد می زنند و میلیارد میلیارد تومان سرقت می نمایند، با غرور و افاده تمام در انتظار ظاهر شده و به ریش مردم نجیب ایران بجای لبخند قهقهه مستانه سر می دهند چون به نوعی با سردمداران نظام اسلامی ارتباط و یا وابستگی خانوادگی دارند! اگر هم بعلی مجبور شوند یکی از آنان را دستگیر کنند به چند سال زندان محکوم می شوند البته با مرخصی داخل و خارج کشور!! زیرا به حکم قضاات شرع ، حیف و میل و رانت خوری و دستبرد به خزانه مملکت دزدی به حساب نمی آید تا مشمول قطع انگشتان دست گردد!!! اجرای قطع دست فقط در باره تهی دستان و مستضعفان قابل اجرا است و بس !.

آیا این بود حکومت مستضعفان که آیت الله خمینی وعده آن را به مردم می دادند ؟ که فرزندان ثروتمندان با پرداخت پول از خدمت سربازی معاف گردند ، در عوض فرزندان فقرا و تهی دستان به سرباز خانه ها رفته و با دیدن آموزش نظامی ، در روز مبادا از اموال و املاک و ثروت های باد آورده و نامشروع مستکبران دفاع نموده و جان در راه حفظ منافع ثروتمندان فدا نمایند . آیا حکومت اسلامی ایران را به سوی جامعه طبقاتی هدایت نمی کند و نوع جدیدی از سیستم برده داری را به جهان سرمایه داری ارائه نمی نماید . ؟

جناب آقای خاتمی

یورش وحشیانه به کوی دانشگاه و آن ایلغار و ضرب و شتم دانشجویان آزادیخواه و شریف موجب گردید تا داستان دیوان بلخ از افسانه به واقعیت در آید . آمران و عاملان آن جنایت وحشیانه در یک دادگاه فرمایشی که به یک مهمانی دوستانه بیشتر شبیه بود تا به یک محاکمه قضایی با سلام و صلوات تبرئه و آزاد شدند در عوض صدها جوان دانشجو که مورد ظلم و ستم قرار گرفته بودند در پشت درهای بسته به محاکمه نشسته و در نتیجه به جرم بی گناهی به زندان های دراز مدت محکوم گردیدند . آیا عدالت اسلامی که آیت الله خمینی پیش از انقلاب آن همه در باره اش داد سخن میراند همین عدالتی است که امروزه در سراسر ایران حاکم است ؟ آیا جامعه مدنی چنین جامعه ای است که چماق ، سرنیزه ، تکفیر ، قتل و غارت ، تجاوز به حریم امن مردم و گسترش فساد در ابعاد وسیع رواج چشم گیری داشته باشد و هر کس که کلمه آزادی و یا عدالت را بر زبان آورد همان بلایی بر سرش آید که در این بیست سال بر سر هزاران ایرانی آزاده آمده است ؟ آیا فکر نمی کنید جامعه امروز ایران بر اثر حکومت اسلامی زیر امر ولی فقیه به جامعه بدوی تبدیل شده است ؟ آنوقت جنابعالی صحبت از جامعه مدنی و گفتگوی تمدن ها می کنید . شما با چه دستاورد و پیشینه ای میخواهید با کشورهای پیش رفته جهان به گفتگو بنشینید ؟ شاید برای ارایه چهره بهتری از رژیم در برابر مردم فرهیخته جهان ، که این یک کوشش بی ثمری خواهد بود . جهت آگاهی جنابعالی بعرض میرسانم که فرهنگ ایرانی بر چهار رکن استوار است که عبارتند از : آزادی ، دادگری ، برابری و مهرورزی . در فرهنگ ایرانی آزدن جانوران تقبیح شده است در فرهنگ ایرانی غم بی نوایان رخ توانگران را زرد می نماید . ولی در فرهنگ ولایت فقیه

پیرزنان را به جنایت برند

رطل زنان دخل ولایت برند

و نه تنها جانوران بلکه هزاران انسان بی گناه به بهانه های گوناگون به قتل رسیده و یا در سیاهچالهای قرون وسطایی زیر سخت ترین شکنجه ها قراردارند . روی زرد بی نوایان و کودکان معصوم نه تنها روی ثروتمندان و مستکبران را زرد نمی کند بلکه روز به روز رخسارشان ، گلگون تر و شکم هایشان ، گنده تر می گردد . کافی است نگاهی به دور و بر خودتان ببیندازید تا حقایق را از نزدیک ملاحظه فرمائید .

جناب آقای خاتمی

رژیمی که امروز بر ایران حاکم است و ادعای اسلام ناب محمدی می نماید ، بزرگترین ضربه را به دین اسلام وارد آورده است بطوری که از زمان رحلت پیامبر اسلام تا کنون بی سابقه می باشد تا

جایی که مردم دسته دسته از دین و آئین پدری خود بیزار شده و از آن رو بر می گردانند . به قول شاد روان مهندس مهدی بازرگان « بجای یدخلون فی دین الله افواجاً ، شاهد یخرجون من دین الله افواجاً هستیم » امروز اکثر مردم به این حقیقت پی برده اند که سردمداران حکومت اسلامی با اینکه القاب آیت اللهی و حجت الاسلامی را یدک می کشند کوچکترین اعتقادی نه به خداوند دارند و نه به روز رستاخیز . در دل نیز به اعتقاد مردم ساده دل و مؤمن پوزخند می زنند و به قول رند همه دوران ها حافظ شیرازی

گوئیا باور نمیدارند روز داوری کاین همه قلب ودغل در کارداور میکنند

آقایان دین را وسیله دست یابی به قدرت قرار داده اند تا در سایه آن بیت المال را مورد تاراج قرار داده و روز به روز بر ثروت خود و بستگان و نزدیکانشان بیافزایند . نگارنده پیش از انقلاب با تنی چند از سردمداران فعلی نظام بیش و کم آشنایی داشتم و از کم و کیف زندگی آن روز ایشان با خبر بودم که با زندگی امروزیشان از زمین تا آسمان هفتم فاصله داشته است تنی از ایشان را در مقام امام جمعه موقت می بینم ، سخنانی که از تربیون نماز جمعه ایراد می کنند صد و هشتاد درجه با آنچه که در گذشته بر زبان می آوردند اختلاف دارد . اگر آن روزها مدام سخن از آزادی و عدالت و مساوات و حکومت مردم بر مردم می گفتند برای فریب مردم بود و بس . به قول معروف

می زخم چهچه بلبل که خرم بگذرد از پل

الحمدالله که خر آقایان از پل گذشته است دیگر چه آشی و چه کشکی !!!

جناب آقای خاتمی

در طول تاریخ حکومت هایی برسر کار آمده اند که هر کدام در زمان خود مدعی مجری احکام الهی بوده اند . از خلفای راشدین که بگذریم ، امویان ، عباسیان ، فاطمیون در مصر ، عثمانیان در خاورمیانه و قسمتی از اروپا ، صفویان در ایران و مردم مجبور بودند برای حفظ جان و مال و ناموس خود در هر دوره مطیع و فرمانبردار آنها باشند و اسلامی را بپذیرند که خواست زمامداران بود در غیر این صورت جان و مال خود را از دست می دادند .

امروزه هم اسلام ناب محمدی در ایران ، سوپر اسلام محمدی در افغانستان ، اسلام خادم الحرمین الشریفین در عربستان حاکم است . حال بفرمائید من مسلمان قسم حضرت عباس کدام یک از این نظام های اسلامی را باور کرده و بپذیرم با توجه به این حقیقت که هیچ بقالی نمیگوید ماست من ترش است . باید گفت خدا پدر طالبان را بیامرزد که فقط یک نوع اسلام دارد ، درحالیکه ما در ایران سه نوع اسلام داریم ۱- اسلام حجاج ابن یوسفی . ۲- اسلام معاویه ای . ۳- اسلام ملک فارقی .

۱- اسلام حجاج ابن یوسفی جهت مستضعفان است ماموران نهی از منکر در جنوب و حاشیه شهرها مردم را زیر نظر دارند که دست از پا خطا نکنند تا خدشه ای به اسلام ناب محمدی وارد نیاید . چون حجاج معتقد بود که خطر همیشه از سوی فرو دستان جامعه می باشد . لذا باید این قشر از جامعه را همواره گرسنه و محتاج و در ترس و وحشت نگه داشت .

۲- اسلام معاویه ای برای رفاه و آسایش مستکبران و شمال شهر نشینان است . ثروتمندان در ویلاها و آپارتمان های مجلل خود امکان همه نوع فسق و فجور را دارند آنهم در پناه ماموران حکومتی

معاویه بر این باور بود که نباید جلوی عیش و نوش مستکبران و لغتیا را گرفت چون آنها حامی و پشتیبان حکومتند. اما نیاست در انظار، اینگونه اعمال را انجام دهند چون موجب خشم و طغیان مستضعفان و تهی دستان خواهد شد که در نتیجه دودش هم به چشم هیئت حاکمه خواهد رفت و هم به چشم خودشان.

۳-----اسلام ملک فاروقی و آن اسلام برون مرزی است!! ملک فاروق پادشاه سابق مصر خود را سلطان مسلمانان جهان می خواند ولی سلطان مسلمانان هر شب در کاباره ها در کنار مه رویان مصری به می کساری و قمار مشغول بود!! امروز نزدیکان و وابستگان بخصوص آقازاده های گرامی حضرات آیات و حجج الاسلام که از برکت «اسلام ناب محمدی» به ثروت های افسانه ای دست یافته اند، اسلام ملک فاروقی را به اجرا در آورده اند ولی در اجرای فتوای حضرات!! فعلا مجاز هستند اسلام ملک فاروقی را در بیرون کشور پیاده کنند تا دور از چشم امت همیشه در صحنه دلی از عزا در آورند و هم با خرید املاک و اوراق بهادار و با سپرده های کلان بانکی چرافی هم از برای روز تاریکی در نظر گرفته باشند.

جناب آقای خاتمی

آیا می دانید (البته خوب هم می دانید) در سایه حکومت اسلامی اهدای آیت الله خمینی، ابعاد فساد، ارتشاء، رانت خواری، خیانت، قتل و غارت، زندان و شکنجه، فرار مغزها به خارج کشور، تنفر مردم از دین و آئین، بخصوص اعتیاد و فحشا در سطح جامعه ایرانی بطور وحشتناکی گسترش یافته که در تاریخ این سرزمین اهورایی بی سابقه می باشد؟ برابر آمار رسمی مراجع ذی صلاح میانگین سن فحشا از بیست و هفت سال به بیست سال رسیده است یعنی گسترش فقر و تنگدستی باعث گردیده تا دختران معصوم ده، دوازده ساله نیز به تن فروشی رو بیاورند همچنین برابر آمار مراجع رسمی حکومت خودتان مصرف روزانه مواد مخدر در تهران روزانه بیش از پنج تن می باشد با اینکه هرچند گاه خبر دستگیری چند باند قاچاق و کشف چند تن مواد مخدر منتشر می شود. همه این فجایع و فساد و نابسامانی های اجتماعی نتیجه بیست سال حکومت اسلامی تحت رهبری ولی فقیه!! بوده و خواهد بود.

جناب آقای خاتمی

بعنوان یک ایرانی دور از وطن آنچه شرط بلاغ بود بعرض رساندم دیگر خود دانید و خدای خود و این هم بدانید عاقبت همه مرگ است و آنچه از آدمی می ماند نام نیک است. عرایض را با چند بیت از دیوان شیخ الشیوخ مصلح الدین سعدی شیرازی به پایان میرسانم. با آرزوی ایرانی آزاد و آباد.

دل به دنیا در نیندد هوشیار
رستم و روئینه تن اسفندیار
کز پی خلق است دنیا یادگار
هیچ نگر فتم از ایشان اعتبار

بس بگردید و بگردد روزگار
اینکه در شهنامه ها آورده اند
تا بدانند این خدا و ندان ملک
این همه رفتند و مای شوخ چشم

ایکه وقتی نطفه بودی بی خبر	وقت دیگر طفل بودی شیرخوار
مدتی بالا گرفتگی تا بلوغ	سرو بالا بی شدی سیمین عذار
همچنین تا مرد نام آور شدی	فارس میدان و صید و کار زار
آنچه دیدی برقرار خود نماند	وین چه بینی هم نماند بر قرار
دبرو زود این شکل و شخص نازنین	خاک خواهد بودن و خاکش غبار
ایکه دستت میرسد کاری بکن	پیش از آن کز تو نباید هیچ کار
گر بماند نام نیک از آدمی	
به کز او ماند سرای زرنگار	

سه شبیه نهم شهریور ماه ۱۳۷۸ خورشیدی

محمود مهران ادیب - بلژیک

این نامه را چند ماه پس از فاجعه هیجدهم تیر ۱۳۷۸ به آقای خاتمی نوشته و فرستادم ولی پاسخی دریافت نداشتم. باید هم جوابی نمی دادند زیرا ایشان هم خواه ناخواه در تمام جنابیت هائی که در این چند سال توسط حکومت کران در ایران در بندما انجام گرفته است شریک بوده و هستند و منافع گروهی حکام جور و ظلم حکم می کند که برای بقای خود اگر گوشت هم را خوردند استخوانهای هم را دور بیندازند.

آنچه امروز عربان و برملا شده است، حدود پنج سال پیش، نگارنده در این نامه بدان اشاره کرده بودم.